

حکم قصاص قاتل شهید مدافع امنیت دیروز در زندان مرکزی کرمانشاه اجرا شد. به گزارش میزان، آبان سال ۱۴۰۱ در جریان یکی از تجمعات غیرقانونی در شهرستان صحنه استان کرمانشاه عده‌ای با شعارهای هنجارشکنانه این تجمع را به حاشیه واغتشاش کشاندند وزمینه درگیری بانبروهای حافظ امنیت را به وجود آوردند. در این حادثه سرهنگ بیرامی که برای ایجاد امنیت و حفظ نظم در محل حضور داشت،

قصاص قاتل

شهید مدافع امنیت

نظمیه

انتقاد رئیس پلیس راهور فراجا از خودروسازان داخلی

خودروسازان به استحکام بدنه توجه نمی‌کنند



کیفیت بد خودروهای تولید داخل، کاهش تلفات، کمین ماموران در جاده و انتظارات پلیس از دولت چهاردهم، مهم‌ترین موضوعاتی بود که رئیس پلیس راهور فراجا در جمع خبرنگاران درباره آن توضیح داد.

به‌گزارش جام‌جم، سردار سیدتیمور حسینی در ابتدای این نشست درباره آخرین آمار تلفات رانندگی گفت: براساس آمارهای رسمی اعلام شده از سوی پزشکی قانونی در سه ماهه نخست سال، ۳۵۹ نفر معادل ۷/۸درصد کمتر جان خود را در تصادفات از دست داده‌اند.

وی با اشاره به افزایش مبلغ جرایم رانندگی تاکید کرد: به‌طور متوسط جرایم رانندگی افزایشی سه برابری داشته و خوب است مردم بدانند که از ۲۳ تیرماه که مبلغ جرایم افزایش پیدا کرده و میزان جریمه‌های ثبت‌شده از سوی پلیس ۱۹درصد کاهش یافته، البته میزان ارتکاب جرایم رانندگی نیز کمتر شده است. همچنین تعداد کدهای جریمه از ۱۹۱ کد به ۱۸۳ کد کاهش یافت. از زمان افزایش مبلغ جریمه‌ها تاکنون نیز ۵۸درصد جریمه‌ها در شهرا و ۴۲درصد در جاده‌ها بوده است.

وی همچنین از افزایش ۳۰درصدی مبلغ جریمه‌های رانندگی در بازه زمانی ۲۰ اسفند تا ۲۰ فروردین خبر داد و گفت: در این مدت زمانی جریمه‌های رانندگی حدود یک‌سوم بیشتر می‌شود. همچنین در مورد برخی از تخلفات حادثه‌ساز برای خودروهای ناوگان حمل‌ونقل عمومی نیز جریمه‌ها در تمام سال دوبرابر است. حسینی درباره انتظارات پلیس از دولت

بدون این‌که حتی از سلاح استفاده کند مورد حمله افرادی قرار گرفت و با ضربات چاقو به شهادت رسید. ضاربان شهید بیرامی پس از شناسایی دستگیر و برای آنها پرونده قضایی تشکیل شد. از میان ضربه‌های مختلف چاقو که بر پیکر شهید واردشده نوع جراحات از جهت وسعت و عمق به چاقویی که شاخصه آن دسته زردرنگ بود تعلق داشت و شهود نیز اظهار کردند که در زمان وقوع جرم چاقوی زردرنگ در دست

غلامرضارسانی بوده است. متهم روانه زندان شد ومدتی بعد، در دادگاه کیفری یک کرمانشاه محاکمه شد و حکم قصاص گرفت. حکم صادره تایید و به اجرای احکام دادگستری استان کرمانشاه ارسال شد.

پس از طی تشریفات قانونی وقطعیت رأی، حکم قصاص نفس قاتل این شهید بزرگوار صبح دیروز-سه‌شنبه-در محل زندان مرکزی کرمانشاه به مرحله اجرا درآمد.



روایت دزدانی با کلکسیونی از شگردهای مجرمانه



فرمانده انتظامی تهران بزرگ از دستگیری ۲۳۱ سارق و مالخر در ۷۲ ساعت گذشته خبر داد. سردار عباسعلی محمدیان در طرح دستگیری سارقان و کشف اموال مسروقه که پیش از ظهر دیروز در پلیس آگاهی تهران بزرگ برگزار شد، گفت: آنچه امروز شما شاهدش بودید، حاصل زحمات میدانی ۷۲ساعت

گذشته همکاران من در پلیس آگاهی تهران بزرگ بود، اما پشت این ۷۲ساعت، ساعت‌ها و روزها کار پلیسی و اطلاعاتی همکاران ما بود. امروز ۲۳۱ سارق و مالخر دستگیر و تحویل قانون شده‌اند که این افراد در قالب ۵۱ باند سرقت، چل و مالخری اقدام به سرقت می‌کردند که از این افراد تلفن همراه، خودرو، موتورسیکلت و... کشف شد.

وقتی از زندان آزاد شدم با همدستم تصمیم گرفتیم لوازم خودرو را سرقت کنیم. ما هر بار با پیچ‌گوشی شیشه خودروها را در خیابان می‌شکستیم ولوازم داخل آن را سرقت می‌کردیم. هیچ‌وقت هم پول با وسایل گران قیمتی گیرمان نمی‌آمد. فقط در حد خرج روزانه‌مان بود. تا این‌که آخرین بار در یکی از خیابان‌های شرق پایتخت، سراغ یک خودروی پرادو رفتم و از داخل آن تخم شترمرغ‌های گران‌قیمت گیرمان آمد. باورمان نمی‌شد که عتیقه باشند. حتی با خنده به دوستم گفتم دیدی ما شانس نداریم، ولی دوستم بی‌خیال نشد. تخم شترمرغ‌ها را پیش دوست‌مان که عتیقه‌شناس است بردیم. او گفت بله، اینها عتیقه هستند. ۸ تا ۱۰میلیارد ارزش دارند. حالا که دستگیر شده‌ام، فهمیدیم ۳۰ میلیارد تومان ارزش دارند. این تخم شترمرغ‌ها برای یک مرد هتلدار و پزشک است، البته او هنرمند است و تخم شترمرغ‌ها برای نمایشگاه صنایع دستی اش بود.»

ماجرای دزدیدن تخم شترمرغ‌های گرانبها

چندین بار دستگیر شده است. بارها به جرم‌های مختلف به زندان افتاده و این بار نیز به اتهام سرقت لوازم خودرو در تله ماموران گرفتار شده است. دزد حرفه‌ای این بار در سرقتش به کاهدان زده بود. او همراه همدستش، در یکی از دزدی هایشان از خودروی پرادو، به تخم شترمرغ‌های ۳۰ میلیارد تومانی رسیده بود، دزدهایی که هرگز نتعوضش را هم نمی‌کردند در آخرین سرقت‌شان به عتیقه‌های گران‌قیمت برسند. شهاب که حالا در طرح پلیس آگاهی پایتخت دستگیر شده، جزئیات سرقت هایش را این‌گونه روایت می‌کند: «با پنجم یا ششم است که دستگیر می‌شوم. همیشه به جرم سرقت یا حمل مواد مخدر دستگیر شده‌ام. آخرین بار

زندگی‌ام نبود شد. دیگر نمی‌دانستم باید چه

کار کنم. با یک نفر در دنیای مجازی آشنا شدم. آن فرد نیز یک ثروتمند ورشکسته بود. شریکش پول هایش را بالا کشیده بود. وقتی با هم درد دل می‌کردیم، برای این‌که دوباره به روزهای اوج خود برگردیم، تصمیم گرفتیم سرقت کنیم. شاکلید گیر آوردیم و به خانه‌های مردم دستبرد می‌زدیم. می‌خواستیم پولدار شویم. من می‌خواستم دوباره بتوانم به نیازمندان کمک کنم. یادم می‌آید یک‌بار در خانه‌ای به ۹۰ سکه طلا و دو کیلو طلا رسیدیم. پول زیادی بود و ما آن شب جشن گرفتیم. یک‌بار هم وقتی وارد خانه‌ای شدیم، فهمیدیم سمت اتاق رفت. ناگهان صدایش را شنیدم که از مردی می‌پرسید دست مرغ در فریزر پنهان کرده‌اند. خیلی برایم عجیب بود.»

اشک‌های زن سارق

زنی جوان که مرتب‌اشک می‌ریزد، به جرم مالخری و سرقت دستگیر شده است. او که تتو کار است در این باره می‌گوید: «من در ایران به دنیا آمده‌ام، ولی اصالتا افغانستانی هستم. من و شوهرم در یک قالیشویی سرایدار بودیم. شوهرم با سارقان آشنا شد و آنها هم برایمان خانه‌ای اجاره کردند تا اموال سرقتی را در آنجا بگذارند. آنهاگوشی موبایل‌های سرقتی را تغییر سریال می‌دادند و به کشور افغانستان می‌فرستادند. بعد از سرقت گوشه‌ها را را در خانه مانبار می‌کردند. من نقشی نداشتم. ولی چون اموال سرقتی در خانه‌مان بود و من هم خبر داشتم دستگیر شده‌ام.»



قتل مادر بزرگ و عمو به خاطر کینه قدیمی

[۱] از شب حادثه بگو.

بعد از چهار سال تصمیم گرفتیم با عمویم آشتی کنیم. با او تلفنی حرف‌زدم که قبول کرد آشتی کنیم. آن شب برایش چند عدد دستر و جعبه شیرینی خریدم و به خانه مادر بزرگ رفتم. دو دوست عمویم هم همراهش بودند. یکی از دوستانش رفت و چاقوی او در خانه جاماند. تلفن عمویم زنگ خورد و سمت اتاق رفت. ناگهان صدایش را شنیدم که از مردی می‌پرسید دست برادر زاده‌ام را قطع کنم یا او را بکشم؟ با شنیدن این حرف‌ها شوکه شدم. او در این سال‌ها هنوز ماچرا را فراموش نکرده و از من کینه داشت. او چاقو به دست سمت آمد. من هم چاقوی مرد مهمان را برداشتم. به جان هم افتادیم که او زخمی شد. مرد مهمان فرار کرد. مادر بزرگ سه مرحله میانمان آمد تا نگذارد دعوا ادامه پیدا کند که هدف ضربه‌های چاقویم فراگرفت.

عدلیه

قتل مادر بزرگ و عمو به خاطر کینه قدیمی

گودزی، بازرس شعبه ششم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم قرار شد که او برای بررسی سلامت روانی به پزشکی قانونی معرفی شود. فرصتی در دادسرا به خبرنگار ما دست داد تا با این پسر ۲۲ساله که قاتل دو عضو خانواده‌اش بود گفت‌وگو کنیم. آرام روی صندلی نشسته بود و می‌گفت اگر عمویم کینه‌نمی‌کرد، الان او و مادر بزرگم زنده بودند.

[۲] از خودت بگو.

در بازار تهران کاری کم. تابه‌حال پایم به‌دادسرا و اداره پلیس باز نشده بود.

[۳] از اختلاف با مقتولان بگو.

درست است که سر از تیه با خانواده پدری‌ام اختلاف داشتم اما دلایل اصلی آن، ماجرای حضانت پسرعموی دیگرم بود.

محکمه

حکم قصاص برای قاتل شیر رسولی

رئیس کل دادگستری کردستان از صدور حکم قصاص پرونده فرد متهم به قتل مرحومه شیر رسولی خبر داد. حجت‌الاسلام حسینی گفت: براساس حکم صادره، شعبه اول دادگاه کیفری یک استان کردستان به استناد بند (ب) ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی، متهم این پرونده را به علت مباشرت در ارتکاب قتل عمدی به مجازات قصاص نفس با رد تفاضل دیه محکوم کرده است.



حوادث

کوتاه‌از حوادث

گروگان‌گیری برای سرقت ۱۳میلیاردی از کارگاه طلاسازی

چهار نفر که مسلحانه مردی طلاساز را در یکی از خیابان‌های تهران ربوده و ۱۳میلیارد تومان طلا و جواهر از گاوصندوق کارگاهش به سرقت برده بودند تحت تعقیب پلیس پایتخت قرار گرفتند.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، دو روز پیش مردی با حضور در شعبه هفتم بازپرسی دادسرای جنایی تهران از چهار مرد که مسلحانه وی را ربوده و ۱۳میلیارد تومان طلا و جواهر از او سرقت کرده بودند، شکایت کرد.

شاکی در جریان تحقیقات گفت: در یکی از محله‌های تهران کارگاه طلاسازی دارم. شب حادثه بعد از پایان کارم از کارگاه بیرون آمدم و راهی خانه بودم که در نزدیکی یکی از کوچه‌های محله یوسف‌آباد پژو ۲۰۶ سفیدی با خودرویم تصادف کرد. از خودرو پیاده شدم تا علت و میزان خسارت را بررسی کنم که چهار سرنشین ۲۰۶ با چهره‌هایی پوشیده به من حمله‌رو شدند و کتکم زدند. یکی از آنها سوار خودرویم شد و حرکت کرد. سه نفر دیگر که یکی از آنها مسلح به کلت بود و بقیه چاقو داشتند، مرا داخل پژو انداختند و به‌شدت کتکم زدند و به زور کلید گاوصندوق کارگاه را گرفتند. تهدید می‌کردند اگر مقاومت کنم مرا به قتل می‌رسانند. یک ساعت در سطح شهر تهران حرکت کردند تا این‌که سمت کارگاه طلاسازی‌ام رفتند. مرد مسلح کلت را روی سرم گذاشته بودو تهدید می‌کرد اگر کلیدها اشتباهی باشد و طلا و جواهری در گاوصندوق نباشد، شلیک می‌کند.

شاکی ادامه داد: به التماس‌هایم توجهی نمی‌کردند و نمی‌خواستند مرا رها کنند. یکی از دزدها با کلیدها وارد کارگاه شد و ۱۳میلیارد تومان طلا و جواهر سرقت کرد. بعد مرا با دست‌و پایی بسته در کارگاه رها کردند و متواری شدند. به‌سختی توانستم دست‌وپایم را با کتم و با پلیس تماس بگیرم. با شکایت این مرد و با دستور قضایی ماموران تحقیقات را آغاز کردند و خودروی سرقتی از شاکی را بدون سرنشین، رهاشد در محله پیروزی تهران یافتند.

غلامحسین صادق‌زاده، بازپرس شعبه هفتم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: تحقیقات برای دستگیری سارقان مسلح که دست به آدم‌ربایی و سرقت مسلحانه از کارگاه طلاسازی زده بودند، توسط پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

مرگ سارق فراری در تصادف

سارق سابقه‌دار در حالی با اتهام ۱۱ فقره سرقت قرار است در دادگاه محاکمه شود که همدست او در تعقیب و گریز پلیسی و به‌دلیل تصادف جان خود را از دست داد.

ماجرای این پرونده اوایل سال ۱۴۰۱ و زمانی کلید خورده زنی با پلیس تماس گرفت و گفت در منطقه پاسداران تهران پشت فرمان ماشین با تلفن همراهم صحبت می‌کردم که دو موتورسوار یک‌دفعه‌گوشی‌ام را قاپیدند و به‌سرعت فرار کردند. با اعلام گزارش، تلاش‌ها برای یافتن سرخ موتورسواران درز آغاز شد. پلیس هنوز مشغول رسیدگی به شکایت شاکی اول بود که دومین شکایت مشابه هم به پلیس رسید و عمه‌ای این بار زن جوانی بود که داخل خودروی ۲۰۶ و پشت چراغ‌قرمزگوشی‌اش قاپیده شده بود.

تعداد شاکی‌ها حالا به ۱۱ نفر که هشت نفر از آنها زن بودند رسیده بود و با این روند فرضیه سریالی بودن موبایل قاپی‌ها قوت گرفت. تحقیقات پلیسی ادامه داشت تا این‌که شامگاه ششم آذر ۱۴۰۱ پلیس به دو سرنشین یک موتورسیکلت که پلاک آن مخدوش بود مشکوک شدند. این اتفاق در حالی افتاد که درست چند دقیقه قبل زن جوانی قاپیدن موبایلش توسط دو موتورسوار را به پلیس گزارش کرده بود. ماموران به دو راکب موتورسوار ایست دادند اما هردو بی‌توجه به هشدار پلیس به‌سرعت‌گریختند و در حین این تعقیب و گریز با یک خودروی ۲۰۶ که راننده آن زن بود برخورد کردند و بر اثر این برخورد شدید، ترک‌نشین موتورسوار که نامش رامین بود در دم جان سپرد و راکب به نام رضا هم به بیمارستان منتقل شد.

پلیس در بازرسی بدنی از آنها سه گوشی موبایل سرقتی، یک قبض قمه و اسبری اشک‌آور کشف کرد. راکب که آسیب جزئی دیده بود، در بازجویی‌ها گفت: سه ماه قبل از زندان آزاد شدم. به قهوه‌خانه رفته بودم که پس از مدتی رامین را دیدم و باهم حرف‌زدیم. به‌او پیشنهاد دادم چون کار درست و حسانی ندارم با هم گوشی‌قاپی کنیم. او هم قبول کرد. من راکب موتور بودم و رامین ترک می‌نشست. در خیابان‌های شمال تهران گشت می‌زدیم و بیشتر سراغ زانی می‌رفتیم که پشت فرمان ماشین مشغول صحبت با گوشی موبایل یا ارسال پیامک بودند. در یک لحظه سریع گوشی‌ها را می‌قاپیدیم و فرار می‌کردیم. آخرین بار که پلیس به ما مشکوک شد از ترس متواری شدیم و ناخواسته با خودروی ۲۰۶ برخورد کردیم و رامین جانش را از دست داد.

با اعترافات متهم سابقه‌دار پرونده وی به اتهام ۱۱ فقره سرقت مقرون به آزار به شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به‌زودی به جرم‌وی رسیدگی شود. این در حالی است که شاکی‌های پرونده برای وی اشد مجازات خواسته‌اند.